

Participation of University Professors in Blogs and Public Web Pages: A Comparative Study of the Departments of Social Sciences and Medical Sciences

Shadi Moshtaq 

PhD. Student, Faculty of Management, University of Tehran, Tehran, Iran (**Corresponding author**).
shadi.moshtaq@ut.ac.ir

Maryam Tavosi 

PhD. Student, Department of Knowledge and Information Science, Kharazmi University, Tehran, Iran.
m.tavosi@khu.ac.ir

Abstract

Purpose: The aim of this study is to investigate the willingness of university professors in the departments of medical sciences and social sciences to share knowledge on public web pages.

Method: This study was applied in terms of its purpose and utilized a survey method for data collection, while a comparative method was employed for data analysis. A researcher-made questionnaire was designed to collect data, and its validity was confirmed by four information science experts. The reliability of the questionnaire was also calculated by SPSS software and its value was 0.71, which is an appropriate value. University of Tehran professors in the medical and social sciences departments were selected as comparison units.

Findings: Both the medical and social sciences departments demonstrated a strong inclination to share knowledge on public websites. Both groups do not view disciplinary structural factors, such as the requirement to present content in the form of peer-reviewed articles, as essential for publishing scientific material. This indicates that members of both groups possess a positive attitude toward the public dissemination of content. However, the medical sciences department is 20 percent more likely than the social sciences department to publish scientific material. While only 2% of the medical sciences group has published an article on public web pages, the participation rate of the social sciences group has been higher.

Conclusion: In both social sciences and medical sciences groups, although there is high motivation and positive attitude towards knowledge sharing, obstacles such as technological factors, fear of scientific plagiarism (social sciences) and lack of time (medical sciences) prevent knowledge sharing behavior; but an important and noteworthy point is the issue of simple writing of scientific articles. Regarding the difference between the two groups for sharing scientific information on blogs and public websites, it was found that from the medical sciences group's perspective, writing in simple and understandable language for the general public is much more difficult, while this issue was less evident for the social sciences group. This difference could be due to the sensitivity of medical articles

<https://apss.qom.ac.ir/>

Cite this article: Moshtaq, S. & Tavosi, M. (2024). Participation of University Professors in Blogs and Public Web Pages: A Comparative Study of the Departments of Social Sciences and Medical Sciences. *Applied Scientometric Studies*, 1(2), p. 131-150.

Received: 2024-02-21 ; **Revised:** 2024-03-29 ; **Accepted:** 2024-04-24 ; **Published online:** 2024-05-18

© The Author(s).

Article type: Research Article

Published by: University of Qom.



and the difficulty of explaining concepts in simple and understandable language for the general public. Therefore, the difficulty of explaining the material in simple and understandable language for the medical sciences department is one of the most important obstacles to the dissemination of medical science materials. By focusing on these factors and obstacles, knowledge sharing behaviors can be improved.

Keywords: Knowledge sharing, Blogs, Website, Medical sciences, Social sciences, University of Tehran, Faculty members.

مشارکت اساتید دانشگاه در وبلاگ‌ها و صفحه‌های عمومی وب: مطالعه مقایسه‌ای گروه علوم اجتماعی و علوم پزشکی

شادی مشتاق 

دانشجوی دکتری، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسئول). shadi.moshtaq@ut.ac.ir

مریم طاوسی 

دانشجوی دکتری، گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران. m.tavosi@khu.ac.ir

چکیده

هدف: هدف پژوهش حاضر بررسی تمایل اشتراک دانش در صفحات عمومی وب در بین اساتید دانشگاه در گروه علوم پزشکی و علوم اجتماعی است.

روش: این مطالعه از لحاظ هدف کاربردی بوده و به روش پیمایشی انجام گرفته و برای تحلیل داده‌ها از روش مقایسه‌ای استفاده شده است. برای گردآوری داده‌ها پرسشنامه محقق‌ساخته طراحی شده، و روایی آن توسط چهار نفر از متخصصان علم اطلاعات تأیید شد. پایایی پرسشنامه نیز توسط نرم‌افزار اس.پس.اس.اس محاسبه و مقدار آن ۰٫۷۱ بدست آمد که میزان مناسبی است. اساتید دانشگاه تهران در گروه علوم پزشکی و علوم اجتماعی به عنوان واحدهای مقایسه انتخاب شدند.

یافته‌ها: هر دو گروه علوم پزشکی و علوم اجتماعی نسبت به اشتراک دانش در وبسایت‌های عمومی، تمایل زیادی نشان دادند. هر دو گروه برای انتشار مطالب علمی فاکتورهای ساختاری رشته‌ای از جمله الزام بیان مطالب در قالب مقالات نقد و داوری شده را ضروری نمی‌دانند. این موضوع نشان می‌دهد که اعضای دو گروه نسبت به انتشار عمومی مطالب رویکرد مثبت دارند، با این حال گروه علوم پزشکی ۲۰ درصد بیشتر از گروه علوم اجتماعی تمایل به انتشار مطالب علمی دارند. این در حالی است که تنها ۲ درصد از گروه علوم پزشکی در عمل اقدام به انتشار مطلبی در صفحه‌های عمومی وب نموده‌اند و در مقابل، سهم مشارکت گروه علوم اجتماعی بیشتر بوده است.

نتیجه‌گیری: در هر دو گروه علوم اجتماعی و علوم پزشکی، گرچه انگیزه زیاد و نگرش مثبت نسبت به اشتراک دانش وجود دارد، موانعی مثل عوامل تکنولوژیکی، ترس از سرقت علمی (علوم اجتماعی) و کمبود زمان (علوم پزشکی) مانع ایجاد رفتار اشتراک دانش می‌گردد؛ ولی نکته مهم و قابل توجه، مسأله ساده‌نویسی مطالب علمی است. در مورد تفاوت بین دو گروه برای اشتراک اطلاعات علمی در وبلاگ و وبسایت‌های عمومی مشخص شد که از نظر گروه علوم پزشکی، نگرش به زبان ساده و قابل فهم برای عموم مردم به مراتب دشوارتر است، در حالی که این موضوع برای گروه علوم اجتماعی کمتر

استاد به این مقاله: مشتاق، شادی؛ طاوسی، مریم (۱۴۰۳). مشارکت اساتید دانشگاه در وبلاگ‌ها و صفحه‌های عمومی وب: مطالعه مقایسه‌ای گروه علوم اجتماعی و علوم پزشکی. *مطالعات کاربردی علم‌سنجی*، ۱(۲)، ص ۱۳۱-۱۵۰.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۰۲؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۱/۱۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۰۵؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۰۴/۰۲

ناشر: دانشگاه قم

نوع مقاله: پژوهشی

© نویسندگان.



نشان داده شد. این تفاوت می‌تواند ناشی از حساس بودن مطالب پزشکی و دشواری تبیین مفاهیم به زبان ساده و قابل فهم برای عموم باشد. بنابراین، دشواری تبیین مطالب به زبان ساده و قابل فهم برای گروه علوم پزشکی یکی از مهم‌ترین موانعی است که بر سرراه انتشار مطالب علوم پزشکی وجود دارد. با معطوف داشتن توجه به سمت این عوامل و موانع می‌توان رفتارهای اشتراک دانش را بهبود بخشید.

کلیدواژه‌ها: اشتراک دانش، وبلاگ‌ها، وبسایت، علوم پزشکی، علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، اعضای هیأت علمی.

۱. مقدمه

اشتراک دانش همواره به واسطه شکل‌گیری ارتباطات اتفاق می‌افتد، و در همین راستا ایجاد ارتباط بین افراد، لازمه اشتراک دانش و اطلاعات بین افراد است. طی بیست سال گذشته از زمان شروع فعالیت اینترنت، فناوری‌های مبتنی بر وب به عنوان یکی از راه‌های انتقال اطلاعات و اشتراک‌گذاری دانش همواره مورد استفاده بوده است. دانشمندان و تولیدکنندگان اطلاعات از یک‌سو و مردم و مصرف‌کنندگان اطلاعات از سوی دیگر، هر دو به سهولت به این فناوری دسترسی دارند. از این جهت از اینترنت می‌توان به عنوان یکی از راه‌های موثر و آسان برای برقراری ارتباط و اشتراک دانش بهره گرفت. تمام فناوری‌های مبتنی بر وب مثل شبکه‌های اجتماعی، وبلاگ‌ها و وب‌سایت‌ها بستری هستند که امکان تبادل اطلاعات محققان با یکدیگر و سایر اعضای جامعه را برقرار می‌سازند (Papacharissi, 2002; O'Neill & Boykoff, 2012). به این ترتیب طی بیست سال گذشته و از زمانی که اینترنت آغاز به کار کرد، به علت سهولت دسترسی، اطلاعات وسیعی را در اختیار کاربران خود قرار داده است. مردم غالباً برای پیدا کردن پاسخ سوالات خود در مورد یک موضوع یا مفهوم از اینترنت استفاده می‌کنند (Besley & Hill, 2020).

اینترنت با برخورداری از حجم عظیم اطلاعات، و ایجاد امکان تعامل با کاربران، بستر مناسبی برای برقراری ارتباط علمی با اعضای جامعه است (Papacharissi, 2002; O'Neill & Boykoff, 2012). اینترنت دستیابی به اطلاعات و دانش علمی را تسهیل کرده، و با ارائه دانش، خلاء علمی که بین افراد تحصیل‌کرده و متخصص و افراد کم سواد جامعه وجود دارد را کاهش می‌دهد (Cacciatore, Scheufele & Corley, 2014). نتایج تحقیقات حاکی از آن است که بین میزان استفاده از اینترنت و افزایش اطلاعات در مورد آب و هوا، ارتباط مستقیم وجود دارد (Eurobarometer, 2011)؛ زیرا در اینترنت در رابطه با موضوع هواشناسی اطلاعات زیادی وجود دارد و بسیاری از مردم روزانه این اطلاعات را از اینترنت پیگیری می‌کنند. به جز شبکه‌های اجتماعی علمی از جمله مندلی یا ریسرچ گیت که مختص تبادل اطلاعات بین اعضای جامعه علمی است (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۷)، بسترهای مختلف دیگری که به راحتی برای عموم مردم قابل دسترس است، همچون شبکه‌های اجتماعی عمومی و وبلاگ‌ها یا وب‌سایت‌های عمومی، برای اشتراک اطلاعات علمی وجود دارد (Pinto, Marçal & Vaz, 2015). چنین امکانی پارادایم جدیدی از مشارکت عموم مردم در چرخه ارتباط علمی فراهم می‌آورد که به نوبه خود اعضای جامعه را فعالانه وارد گفتمان دانش خواهد کرد (Stilgoe, Lock & Wilsdon, 2014). به این ترتیب انتشار مطالب علمی در وب‌سایت‌های عمومی، یکی از روش‌هایی است که دانشمندان می‌توانند مطالب و دستاوردهای علمی خود را به

اشتراک گذاشته و به طور مستقیم و بی واسطه با عموم مردم ارتباط برقرار کنند.

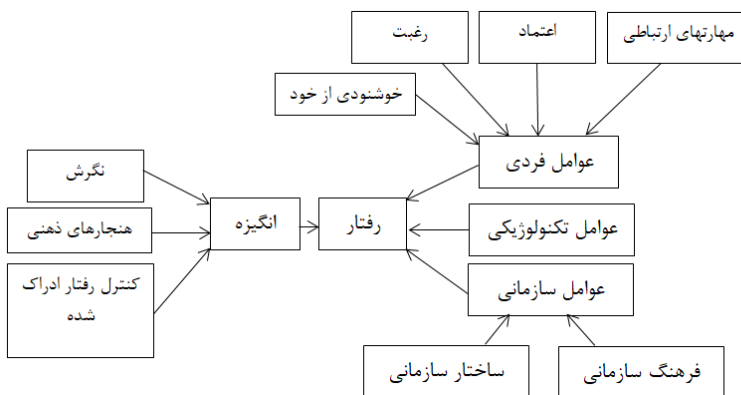
در رابطه با کشور ایران مشخص نیست که چه عواملی برانگیزاننده افراد برای اشتراک دانش هستند. در ایران تعداد وبلاگ‌ها و صفحات عمومی وب کم نیست، ولی اینکه چه تعداد از آنها توسط محققان و اعضای جامعه آکادمیک نگاشته می‌شوند و چه عوامل و دلایلی باعث یا مانع اشتراک دانش در بین اعضای دانشگاهی است، مشخص نیست. در این راستا، پژوهش حاضر درصدد پاسخ به این سوال است که چه تعداد از افراد جامعه علمی و دانشگاهی، دانش علمی خود را به واسطه وبلاگ‌ها و وبسایت‌های علمی عمومی به انتشار رسانده و به اشتراک می‌گذارند و برای این کار چه انگیزه‌هایی دارند. همچنین از آنجا که شیوه‌های برقراری ارتباط در چارچوب و بافت گروه‌های علمی مختلف با یکدیگر متفاوت است، انتظار می‌رود دو گروه علوم پزشکی و علوم اجتماعی از نظر اشتراک دانش در وبلاگ‌ها و وبسایت‌های عمومی، عملکرد متفاوتی داشته باشند. از این رو پژوهش حاضر این دو گروه علمی را در مقابل هم قرار داده و درصدد است مقایسه‌ای توصیفی بین این دو گروه ارائه دهد. بنابراین، هدف این پژوهش بررسی میزان مشارکت اساتید دو گروه علوم پزشکی و علوم اجتماعی دانشگاه تهران در وبلاگ‌ها و صفحه‌های وب عمومی است. سوالات این پژوهش به شرح زیر است:

- ۱) وضعیت مشارکت دو گروه علمی علوم اجتماعی و علوم پزشکی در وبلاگ‌ها و وبسایت‌های عمومی به چه صورت است؟
- ۲) نگرش فردی دو گروه علمی برای اشتراک دانش در صفحات وب عمومی و وبلاگ‌ها چگونه است؟
- ۳) از نظر هنجارهای اجتماعی، دو گروه علمی برای اشتراک دانش در صفحات وب عمومی و وبلاگ‌ها چگونه هستند؟
- ۴) موانع و انگیزه‌های موجود بر سر راه هر دو گروه برای اشتراک دانش در صفحات وب عمومی و وبلاگ‌ها چیست؟
- ۵) عوامل تکنولوژیکی در بین دو گروه در راستای اشتراک دانش در صفحات وب عمومی و وبلاگ‌ها چگونه اثرگذار است؟
- ۶) عوامل مربوط به ساختار رشته در هر دو گروه چه تاثیری بر اشتراک دانش در صفحات وب عمومی و وبلاگ‌ها داشته است؟

۲. چارچوب پژوهش

پژوهش‌های بسیاری درصدد کشف دلایل و انگیزه‌های اشتراک دانش افراد با در نظر داشتن ویژگی‌های

درونی شده و فردی (Bock, Zmud, Kim & Lee, 2005) یا سازمانی (Boer, Berends & Van Baalen, 2011) انجام گرفته است، با این حال به علت پیچیدگی بیش از اندازه ماهیت ارتباطات انسانی و پیچیدگی‌های شخصیتی، اینکه چه عواملی این روند اشتراک دانش را بهبود می‌بخشد، مشخص نیست. درواقع طبق نظریه تبادل اجتماعی^۱ (Cropanzano & Mitchell, 2005) مکانیسم‌های اجتماعی شکل، اندازه و سبک انتقال دارایی‌های ارزشمند یک سازمان را به شدت تحت تاثیر قرار می‌دهد. نتایج مطالعات پیشین (Poliakoff & Webb, 2007) نشان داده‌اند که چهار عامل بر انگیزه دانشمندان برای اشتراک دانش تأثیرگذار است: رفتارهای گذشته آنان در اشتراک‌گذاری اطلاعات، نگرش (اینکه آیا دانشمندان شرکت در این فعالیت‌ها را مثبت می‌دانند یا خیر)، کنترل رفتاری (آیا دانشمندان احساس می‌کنند از نظر اجتماعی و با توجه به بازخوردهایی که ممکن است دریافت کنند، تمایل به اشتراک‌گذاری اطلاعات خود دارند یا خیر) و هنجارهای جامعه‌شناختی (از نظر همکارانشان تا چه اندازه در این فعالیت‌ها مشارکت می‌کنند). بنابراین، برای بررسی عوامل موثر بر اشتراک دانش باید تمام این عوامل را در نظر گرفت، از جمله مدل‌هایی که با جمع‌بندی تمام این عوامل ارائه شده است، مدل بوساری و حسن‌زاده (۲۰۱۲) می‌باشد که در پژوهش حاضر به عنوان چارچوب در نظر گرفته شد است (شکل ۱).



شکل ۳- مدل عوامل موثر بر ایجاد رفتار اشتراک دانش (بوساری و حسن‌زاده، ۲۰۱۲)

طبق این مدل عوامل نگرش، هنجارهای ذهنی و کنترل رفتار ادراک شده از یک‌سو و عوامل شخصی، تکنولوژیکی و سازمانی از سوی دیگر بر اشتراک‌گذاری دانش توسط محققان موثرند. پژوهش‌های بسیاری با در نظر گرفتن عوامل مذکور برای کشف علل و عوامل موثر بر شکل‌گیری

رفتار اشتراک دانش انجام شده‌اند؛ ازجمله، آکوسیل و اولاتوکُن^۱ (۲۰۲۰) در بررسی عوامل موثر بر اشتراک دانش اعضای هیأت علمی در بستر روابط مجازی دانشگاه نیجریه نشان دادند که رضایت فردی، اعتقادات شخصی، آموزش، برخورداری از کمک هزینه از عوامل موثر در شکل‌گیری رفتار اشتراک دانش به حساب می‌آیند. بنابراین، باید برای هر دانشگاه سیاست‌هایی در زمینه اشتراک دانش از قبل در نظر گرفته و اجرا شود.

نتایج پژوهش بیب و علی^۲ (۲۰۱۷) که به طور اخص بر محرک‌ها و مشوق‌های ایجاد رفتار اشتراک دانش در بین اعضای دانشگاه‌های پاکستان متمرکز بود، نشان داد که مشوق‌های درونی و بیرونی، هر دو به یک اندازه موثر هستند. همچنین اعتماد بین فردی، رضایت شغلی و میزان درگیر بودن و تعقل فکری افراد نسبت به شغل سازمانی خود جزو مهم‌ترین عوامل موثر بر اشتراک‌گذاری دانش است.

همچنین نتایج پژوهش سی چانگ و سی ترام آن^۳ (۲۰۰۲) در بین اعضای هیأت علمی ویتنام نشان داد که عوامل فردی و روانشناختی و وجود مشوق‌هایی برای بهبود و رشد حرفه‌ای، عوامل بسیار موثری در ایجاد انگیزه برای اشتراک دانش هستند. بنابراین، برای هر جامعه یا سازمان تعدادی از فاکتورها مهم‌تر از سایرین گزارش شده‌اند که با توجه به بافت و جامعه مورد پژوهش، این عوامل متفاوت خواهند بود.

۳. روش پژوهش

پژوهش حاضر از لحاظ هدف کاربردی است و به روش پیمایشی انجام شده و رویکرد توصیفی دارد. برای تحلیل داده‌ها از روش مقایسه‌ای استفاده شده است. روش تحلیل مقایسه‌ای تلاشی نظام‌مند برای مقایسه دو یا چند موضوع است. این شکل از تحقیق دو یا چند گروه را به منظور کشف چیزی در مورد آنها مورد مقایسه و تحلیل قرار می‌دهد. این مقایسه اغلب بر چند ویژگی خاص متمرکز بوده و سعی دارد به تعریف ساختار سازمانی موضوعات و ارائه نقاط تمایز بین آنها کمک کند. طراحی تحقیق با استفاده از مطالعات موردی متعدد، امکان مقایسه یافته‌ها و مهمتر از همه بررسی پدیده خاص در محیط‌های متنوع را فراهم می‌کند (دارک، شانکز و برادبنت^۴، ۱۹۹۸). پژوهش‌های مقایسه‌ای براساس هدف و سوال پژوهش به انواع مختلفی تقسیم می‌شوند که هرکدام از آنها از جهت

1. Akosile & Olatokun
2. Bibi & Ali
3. Thi Chung & Thi Tram Anh
4. Darke, Shanks & Broadbent

درجه توصیف و تحلیل با یکدیگر تفاوت دارند (گوستاوسون^۱، ۲۰۱۷). این پژوهش از تحلیل مقایسه‌ای توصیفی و استنباطی بهره گرفته است. از آنجا که داده‌ها غیر عددی بودند، برای مقایسه دو گروه از آزمون ناپارامتریک مان-ویتنی^۲ استفاده شد.

واحدهای مقایسه و توصیف تفاوت‌ها و شباهت‌ها: در این پژوهش موارد مقایسه، اعضای دانشکده‌های دو گروه علوم اجتماعی و گروه علوم پزشکی دانشگاه تهران هستند. انتخاب این دو گروه در راستای اهداف پژوهش صورت گرفته است. رشته‌های علمی مثل یک سازمان نقش تعیین‌کننده‌ای در جهت‌گیری رفتارهای اعضای رشته در گستره وسیعی از فعالیت‌ها دارند. همانطور که محدوده و ساختار درونی یک سازمان بر شکل دادن فرهنگ و درک و دریافت اعضای خود بر مسائل مختلف تاثیر می‌گذارد (ترندیس^۳، ۱۹۷۲) پارادایم و ساختار رشته‌ها هم نقش تعیین‌کننده‌ای در فرهنگ رفتارهای اعضای خود خواهد داشت. بین ساختار سازمانی رشته‌های علوم پزشکی و علوم اجتماعی تفاوت بسیار زیادی وجود دارد. درواقع این دو رشته دو قطب مخالف یکدیگر به حساب می‌آیند (لنوار^۴، ۱۹۹۷). رشته‌های علمی یک «رویکرد نهادینه شده» در قالب یک طرز تفکر هستند که در بخش‌های مختلف دانشگاهی و سازمان‌های حرفه‌ای مشغول به فعالیت‌اند. شیوه‌های برقراری ارتباط و تولید علم در رشته‌های مختلف دانشگاهی به جهت شکل‌گیری آنها در بافت‌های مختلف، با یکدیگر متفاوت است. درواقع باید بین فرهنگ و آداب و روابط گروه‌های علمی با یکدیگر تمایز قائل شد. به این ترتیب هر گروه علمی از جهت ویژگی‌های شناختی و روابط اجتماعی با یکدیگر متفاوت هستند (سوجسموتو و وینگارت، ۲۰۱۵^۵). بنابراین، احتمال می‌رود که تفاوت‌هایی از نظر موضوع مورد بررسی این پژوهش در بین این دو شاخه از علم بیشتر دیده شود. با در نظر گرفتن اینکه ساختار رشته‌ها می‌تواند بر عملکرد و رفتارهای اشتراک دانش بین اعضای آن رشته اثر بگذارد، در این پژوهش این دو گروه مورد بررسی قرار گرفتند. علت انتخاب دانشگاه تهران این بود که گستره وسیعی از رشته‌ها در این دانشگاه پوشش داده می‌شوند، در نتیجه امکان انتخاب هردو واحد مورد پژوهش از یک ساختار سازمانی فراهم شد، تا به این ترتیب کمترین میزان مداخله از طرف بافت سازمان بر واحدهای مقایسه اعمال شود.

مورد مقایسه اول: اعضای هیأت علمی استادیار فعال در دانشکده علوم اجتماعی و رفتاری دانشگاه

1. Gustafsson

2. nonparametric Mann-Whitney test

3. Triandis

4. Lenoir

5. Sugimoto & Weingart

تهران: طبق وبسایت دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی و رفتاری شامل رشته‌های: اقتصاد، تربیت بدنی و علوم ورزشی، روانشناسی، علوم اجتماعی، کارآفرینی و مدیریت می‌شود. اطلاعات جامع اعضای هیأت علمی دانشکده علوم اجتماعی و رفتاری از سامانه^۱ قابل رویت است. طبق این وبسایت، هر دانشکده بین ۲۰ تا ۹۰ عضو هیأت علمی دارد که بیشترین تعداد مربوط به گروه مدیریت است (گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی هم در این گروه قرار دارد). در مجموع دانشکده‌های علوم رفتاری ۳۰۰ عضو هیأت علمی در رتبه‌های علمی مربی تا استاد تمام دارند.

مورد مقایسه دوم: اعضای هیأت علمی استادیار دانشکده علوم پزشکی دانشگاه تهران: در سامانه علم‌سنجی دانشگاه‌های علوم پزشکی که توسط وزارت بهداشت تهیه شده است، گروه علوم پزشکی دانشگاه تهران شامل دانشکده‌های بهداشت، پزشکی، پیراپزشکی، داروسازی، دندانپزشکی، طب ایرانی، توانبخشی، علوم تغذیه و فناوری‌های نوین پزشکی می‌شود. هر دانشکده بین ۱۵ (دانشکده طب ایرانی) تا هزار (دانشکده پزشکی) عضو هیأت علمی در تمام رتبه‌های علمی مربی، استادیار، دانشیار و استاد دارد. تعداد کل اعضای هیأت علمی دانشکده‌های پزشکی در همه رتبه‌های علمی ۱۹۱۲ نفر ثبت شده است.

رتبه علمی اساتید در همه دانشکده‌های دانشگاه تهران از مربی تا استاد تمام دسته‌بندی شده است. براساس معیارهای مدون بالادستی، هر عضو رتبه علمی مشخصی دارد. بدیهی است که بین اساتید رتبه‌های مختلف از لحاظ رزومه و عملکرد علمی، تفاوت وجود دارد. بحث وجود تفاوت بین رتبه‌های علمی مختلف این دانشگاه مورد بحث پژوهش حاضر نیست. فقط این مطلب تا آنجا به این پژوهش مربوط می‌شود که به جهت اعمال هم‌ارزی بین موردهای مقایسه، باید اعضای هیأت علمی از یک رتبه علمی مشخص و یکسان در مقابل هم قرار داده شوند. به این ترتیب در این پژوهش فقط اعضای هیأت علمی در رتبه استادیار مورد توجه قرار گرفتند و سایر اعضا از دامنه پژوهش حذف شدند. دانشکده علوم پزشکی ۸۶۰ عضو هیأت علمی استادیار و دانشکده علوم اجتماعی ۱۱۸ عضو هیأت علمی استادیار دارد که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفتند.

۴. ابزار مورد استفاده، نمونه‌ها و گردآوری داده‌ها

در این پژوهش به دو طریق داده‌ها گردآوری شدند: بخش اول به صورت اسنادی انجام گرفت. برای گردآوری اسامی اعضای هیأت علمی به وبگاه‌های هر دو دانشکده مراجعه شد، سپس اطلاعات رزومه هر عضو با رتبه استادیار شناسایی و یادداشت شد. سپس هر اسم جداگانه در گوگل جستجو

1. <https://profile.ut.ac.ir>

شد. به این طریق اطلاعات مربوط به میزان فعالیت اساتید در وبسایت‌های عمومی جمع‌آوری شد. در این مرحله هیچ‌گونه نمونه‌گیری اعمال نشد و اسامی تمامی افرادی که در وبگاه دانشگاه موجود بود، به همان روش بالا از تاریخ فروردین تا اردیبهشت ۱۴۰۲ جستجو شد.

بخش دوم اطلاعات از طریق پرسشنامه گردآوری شد. برای درک انگیزه‌ها و نگرش افراد و بهره‌گیری از قضاوت خود فرد در مورد میزان مشارکت در فرایند اشتراک دانش، استفاده از پرسشنامه روشی درست و منصفانه است (Yu, Lu & Liu, 2010). بنابراین، با توجه به هدف پژوهش، پرسشنامه در دسترس‌ترین و بهترین روش برای جمع‌آوری اطلاعات بود. نکته‌ای که باید برای اجرای پژوهش مقایسه‌ای با استفاده از پرسشنامه مد نظر قرار داد، این است که باید از ابزارهای یکسانی برای تمام نمونه‌ها استفاده گردد و باید شرایط و ویژگی‌های مربوط به آن ابزار خاص در هر دو زمینه مورد مقایسه، به دقت یکسان شود تا سوگیری در به‌کارگیری ابزار پیش نیاید. به عنوان نمونه اگر قرار است پرسشنامه به صورت آنلاین منتشر شود، دسترسی هر دو گروه به اینترنت باید به طور یکسان برقرار باشد.

بعد از مطالعه متون مرتبط و با توجه به ادبیات موجود و چارچوب نظری پژوهش، پرسشنامه‌ای توسط محقق در بستر وبسایت «پرس‌مان» طراحی شد. پرسشنامه ابتدا به چهار نفر از متخصصان علم اطلاعات و دانش‌شناسی (اعضای هیأت علمی و دانشجویان تحصیلات تکمیلی) ارسال شد و بعد از اعمال نظر آنها، روایی پرسشنامه به روش صوری تأیید گردید. همچنین پرسشنامه قبل از توزیع، به گروه کوچکی از افراد (۶ نفر از هر گروه مورد مقایسه) داده شد، تا اشکالات و ابهامات تا جای ممکن رفع گردد، پس از اینکه از گویایی سوالات اطمینان حاصل شد، پرسشنامه به آدرس ایمیل نمونه‌های اصلی هر دو گروه ارسال گردید.^۱ پرسشنامه از تاریخ ۱۴ فروردین تا ۳۰ شهریور ۱۴۰۲ در اختیار نمونه‌ها برای پاسخگویی قرار گرفت.

روایی نمونه‌ها مورد مهم دیگری است که باید در پژوهش‌های مقایسه‌ای مد نظر قرار داد (گوستاوسن، ۲۰۱۷). جهت ایجاد هم‌ارزی نمونه‌ها، باید تعداد پرسشنامه‌هایی که تحلیل می‌شوند، از هر دو گروه مورد مقایسه با هم برابر باشند، از این‌رو در این پژوهش تا زمانی پرسشنامه فعال بود که اولاً تعداد آنها به حد مطلوبی برای تحلیل برسد، و دوماً تعداد پرسشنامه‌های دریافتی از هر دو گروه برابر شود. در تاریخ ۳۰ شهریور، ۵۵ مورد برای گروه علوم پزشکی و ۵۵ مورد برای گروه علوم اجتماعی تکمیل شده بود. برای سنجش پایایی پرسشنامه از آلفای کرونباخ استفاده

۱. آدرس پرسشنامه بدین شرح است: <https://survey.porsline.ir/s/hy7RtGx>

گردید. میزان آلفای کرونباخ معمولاً باید بالاتر از ۰/۷ باشد، تا پایایی پرسشنامه تأیید شود (Henerson, Morris & Fitz-Gibbon, 1987). پایایی این پرسشنامه توسط نرم افزار اس.پی.اس.اس. محاسبه شد و مقدار آن معادل ۰/۷۱ برآورد گردید که مقدار مناسبی است.

۵. یافته‌های پژوهش

در بخش اول نتایج حاصل از جستجوی اسامی اعضای هیأت علمی جهت پاسخ به سوال اول پژوهش (میزان مشارکت هر گروه علمی در وبلاگ‌ها/وبسایت‌های عمومی) مشخص شده است. برای این منظور اسامی اساتیدی که واجد شرایط مطالعه بودند، در اینترنت جستجو شدند. با این هدف که مشخص شود آیا فرد مذکور دارای یک وبلاگ یا وبسایت مخصوص به خود است، یا خیر. البته مقصود از یک صفحه عمومی وب، متن یا هرگونه محتوای علمی است که توسط آن عضو هیأت علمی نوشته شده باشد و بدیهی است صفحاتی که صرفاً به معرفی آثار، کتاب‌ها یا مدارک علمی وی پرداخته باشد، شامل تعریف این مطالعه از وبسایت و وبلاگ علمی نمی‌شود.

جدول ۲- وضعیت مشارکت دو گروه علمی در وبلاگ‌ها/وبسایت‌های عمومی

گروه آموزشی	نام رشته	تعداد هیأت علمی استادیار	تعداد هیأت علمی دارای وبلاگ یا وبسایت	درصد	کل
علوم اجتماعی	مدیریت	۳۷	۱۲	۳۲	۲۳ درصد
	علوم اجتماعی	۲۷	۸	۲۹	
	اقتصاد	۱۰	۲	۲	
	روانشناسی	۲۵	۶	۲۴	
	تربیت بدنی	۱۳	۰	۰	
	کارآفرینی	۱۰	۱	۱۰	
علوم پزشکی	پزشکی	۵۴۰	۲	۳	۲ درصد
	مامایی	۲۵	۱	۴	
	بهداشت	۱۵	۳	۲۰	
	پرستاری	۲۱	۴	۱۹	
	داروسازی	۱۷	۱	۶	
	توانبخشی	۲۵	۰	۰	
	تغذیه	۷	۰	۰	
	فناوری نوین	۱۲	۱	۸	
	دندانپزشکی	۷۰	۰	۰	

از گروه علوم اجتماعی ۲۳ درصد و گروه علوم پزشکی تنها ۲ درصد از اعضای هیأت علمی دارای

صفحه وبلاگ یا وبسایت بودند.

جدول ۲ - آماره‌های مربوط به پرسش‌های مطرح شده

مفهوم مرتبط	گویه‌ها	رشته	درصد موافق	درصد مخالف	آزمون مان‌ویتنی
نگرش‌های فردی	انتشار مطالب علمی در وبلاگ یا وبسایت‌های عمومی برای رشد علمی جامعه خوب است.	علوم اجتماعی	۸۰	۲۰	<۰/۰۵
		علوم پزشکی	۵۳	۴۷	
هنجارهای اجتماعی	من مایل هستم که یک مطلب علمی با نام خودم در یک وبسایت عمومی یا یک وبلاگ منتشر شود.	علوم اجتماعی	۸۶	۱۴	<۰/۰۵
		علوم پزشکی	۸۰	۲۰	
عوامل تکنولوژیکی	مطلبی که با عنوان یک فرد با وابستگی سازمانی معتبر منتشر شود، معتبرتر از مطلبی بدون نام یا با نام یک فرد بدون وابستگی سازمانی است.	علوم اجتماعی	۱۰۰	۰	<۰/۰۵
		علوم پزشکی	۹۰	۱۰	
عوامل مربوط به ساختار رشته	مدیریت یک وبسایت یا وبلاگ دشوار است.	علوم اجتماعی	۴۷	۵۳	<۰/۰۵
		علوم پزشکی	۵۳	۴۷	
رفتارهای فردی	اگر یک سازمان یا وبسایت معتبر به من درخواست انتشار محتوا بدهد، می‌پذیرم.	علوم اجتماعی	۸۰	۲۰	<۰/۰۵
		علوم پزشکی	۸۷	۱۳	
رفتارهای فردی	مطالب علمی رشته من فقط باید در چارچوب مقاله و کنفرانس منتشر شود.	علوم اجتماعی	۲۰	۸۰	<۰/۰۵
		علوم پزشکی	۳۳	۶۷	
رفتارهای فردی	بیان و نشر اطلاعات در رشته من، به زبان ساده دشوار است.	علوم اجتماعی	۲۶	۷۴	<۰/۰۵
		علوم پزشکی	۸۰	۲۰	
رفتارهای فردی	برای دسترسی به اطلاعات، فقط مقاله علمی نمی‌خوانم، بلکه به وبسایت‌های عمومی هم مراجعه می‌کنم.	علوم اجتماعی	۶۶	۳۷	<۰/۰۵
		علوم پزشکی	۵۳	۴۷	
رفتارهای فردی	فقط در صورتی اطلاعات علمی را در صفحه عمومی به اشتراک می‌گذارم که برایم مزایایی در پی داشته باشد.	علوم اجتماعی	۸۰	۲۰	<۰/۰۵
		علوم پزشکی	۵۳	۴۷	
رفتارهای فردی	من مطلب علمی در اینترنت منتشر می‌کنم، ولی به اسم خودم نیستند.	علوم اجتماعی	۱۵	۸۵	<۰/۰۵
		علوم پزشکی	۱۳	۸۷	

<https://apss.gom.ac.ir/>

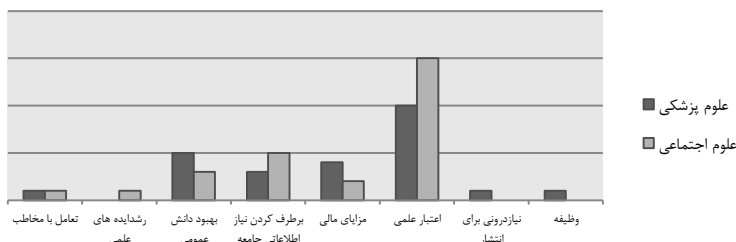
به طور کلی بیش از نیمی از هر دو گروه نسبت به اینکه اطلاعات علمی در صفحه‌های عمومی منتشر شود، نگرش مثبتی داشته‌اند. همچنین تمام اعضای گروه علوم اجتماعی نسبت به دیده شدن نام‌شان در وب به عنوان نویسنده مطلب علمی، روی خوش نشان داده‌اند. در مقابل، به نظر می‌رسد گروه علوم پزشکی چندان در این مورد نگرش مثبت ندارند. این اعتقاد بین هر دو گروه وجود دارد که اگر مطلب علمی با نام یک فرد تحصیلکرده منتشر شود، آن مطلب قابل اعتمادتر خواهد بود. نیمی از افراد هر دو گروه اعلام کردند که استفاده از وب برای آنها سخت بوده است. سپس از پاسخ‌دهندگان سوال شد که اگر شخص دیگری وبسایت را مدیریت کند حاضر به نشر اطلاعات خود هستید؟ در این حالت میزان موافقت ۲۰ درصد افزایش یافت. در ادامه، مطابق داده‌های جدول (۲)، درصد قابل

توجهی از هر دو گروه تمایل به مشارکت با وبسایت‌های معتبر دارند. مقصود از مطرح کردن این سوال این بود که مشخص شود اگر موانع تکنولوژیکی تا جای ممکن مرتفع شده باشد، افراد تا چه اندازه اقدام به اشتراک‌گذاری دانش می‌کنند.

طبق جدول (۲) مشاهده می‌شود که تقریباً نیمی از افراد در هر دو گروه برای دستیابی به اطلاعات علمی به جز مقالات داوری شده، از وبسایت‌های عمومی هم بهره می‌برند. از سوی دیگر، تنها ۱۳ درصد از گروه علوم پزشکی و ۳۳ درصد از گروه علوم انسانی تا به حال تجربه انتشار مطلب به صورت ناشناس داشته‌اند. تعداد کمی و تنها ۳۳ درصد از علوم پزشکی و ۲۶ درصد از علوم اجتماعی با این موضوع که انتشار مطالب علمی فقط باید در چارچوب مقاله و کنفرانس منتشر شود، موافق بوده‌اند. به عبارتی، از نظر اعضای دو گروه، مانعیتی برای انتشار عمومی مطالب علمی وجود ندارد. همانطور که مشاهده می‌شود، گروه علوم پزشکی بیان اطلاعات به زبان ساده را تا حد زیادی (۷۳ درصد) دشوار دیده‌اند، در حالی که تنها ۲۰ درصد از گروه علوم اجتماعی در این باره توافق داشته‌اند. گروه علوم اجتماعی بیشتر از گروه علوم پزشکی به دنبال کسب مزایا از این اقدام هستند.

جهت پاسخ به سوال مربوط به موانع و انگیزه‌های موجود بر سر راه هر دو گروه برای اشتراک دانش در صفحات وب عمومی و وبلاگ‌ها، از اعضاء به صورت سوال باز خواسته شد موانعی که بر سر راه انتشار مطالب در وبسایت‌های عمومی وجود دارد را با یک عبارت بیان کنند. عبارت سرقت علمی پرتکرارترین مانع قلمداد شده بود، هر دو گروه به یک اندازه نسبت به این مورد ابراز نگرانی کردند. مانع دیگری که توسط پاسخ‌دهندگان مورد اشاره قرار گرفت، کمبود فرصت و زمان برای انتشار مطلب بود که این مسأله در گروه علوم پزشکی پررنگ‌تر بود. در سوال دیگری از پاسخ‌دهندگان درخواست شد انگیزه‌های خود از اشتراک دانش را نام ببرند. پاسخ‌های افراد در این بخش همگی به صورت عبارتی و موردی و به صورت مفاهیم مشخص بیان شد، از جمله: رشد ایده‌های علمی، برطرف کردن نیاز اطلاعاتی، کسب اعتبار علمی، تبلیغ اعتبار و درآمدزایی، نفع اجتماعی و مطرح شدن بیشتر خود (شکل ۲).

<https://apss.gom.ac.ir/>



شکل ۴- پاسخ شرکت‌کنندگان در مورد انگیزه‌های اشتراک دانش

۶. نتیجه‌گیری

طبق چارچوب پژوهش عواملی مثل نگرش فردی، هنجارهای ذهنی و کنترل رفتار ادراک شده بر ایجاد انگیزه اشتراک‌گذاری دانش اثرگذار است. نتایج این پژوهش نشان داد که هر دو گروه علوم اجتماعی و علوم پزشکی نسبت به اشتراک دانش نگرش مثبت دارند. همچنین هر دو گروه تمایل زیادی نسبت به انتشار مطالب با نام خود دارند؛ به این معنی که آنان تمایل دارند اگر مطلبی از آنها در یک وبسایت یا وبلاگ منتشر می‌شود، با نام خود آنها همراه شود. از سوی دیگر، این هنجار ذهنی نیز بین هر دو گروه به مقدار زیاد وجود دارد که یک متن علمی با وجود نام نویسنده‌ای که دارای مدرک تحصیلی معتبر است، اعتبار بالاتری خواهد داشت. هر دو مورد مذکور یعنی انتشار مطلب با نام خود فرد و افزایش اعتبار یک مطلب علمی به واسطه وجود نام فرد از جامعه علمی، گویای این است که در بین هر دو گروه علوم پزشکی و علوم اجتماعی نسبت به انتشار مطالب علمی در وبسایت‌ها یا وبلاگ‌های عمومی نگاه مثبتی وجود دارد. به عبارت دیگر، افراد جامعه علمی مورد بررسی اشتراک دانش را عملی پسندیده دانسته و وجود نام خود و یا همکارانشان در یک مطلب در صفحه عمومی برایشان خوشایند و پسندیده است. طبق پژوهش‌های گذشته (Burchell, 2015; Poliakoff & Webb, 2007) بین وجود نگاه مثبت و با اهمیت دانستن اشتراک دانش و انجام عملی آن رابطه مستقیم و مثبت برقرار است، به این معنی که اگر عضو هیأت علمی نسبت به اشتراک‌گذاری اطلاعات در وبلاگ یا وبسایت عمومی نگرش مثبتی داشته باشد، این احتمال وجود دارد که در صورت فراهم بودن شرایط، در عمل به این کار اقدام نمایند.

از جهت فاکتورهای مربوط به رشته بین دو گروه علمی، اینگونه به نظر می‌رسد که اعضای دو گروه برای انتشار مطالب علمی، فاکتورهای ساختاری رشته‌ای از جمله الزام بیان مطالب در قالب مقالات مجلات را ضروری نمی‌دانند. به عبارت دیگر، اعضای دو گروه علمی نسبت به انتشار مطالب علمی خود به صورت عمومی نگاه مثبت دارند، با این حال باید اذعان کرد که بین اعتقاد آنان در رابطه با الزام انتشار مطالب علمی در وبلاگ‌های عمومی تا حد زیادی تفاوت وجود دارد. گروه علوم پزشکی ۱۰ درصد بیشتر از علوم اجتماعی تمایل به انتشار مطالب علمی در وبلاگ‌های عمومی نشان داده‌اند، البته این تفاوت از نظر آماری معنی‌دار نبود. بررسی‌ها نیز نشان دادند که تنها ۲ درصد از اعضای گروه علوم پزشکی مطلبی با نام خود در صفحه‌های عمومی وب منتشر کرده‌اند، در حالی که درصد مشارکت گروه علوم اجتماعی ۲۳ درصد بوده است. این درصد تفاوت در عدم اشتراک‌گذاری مطالب گروه علوم پزشکی می‌تواند به دلیل حساس بودن محتوای علمی گروه علوم پزشکی و دشواری تبیین مفاهیم پزشکی به زبان ساده و قابل فهم برای عموم باشد. بیش از نیمی از افراد رشته علوم پزشکی

اذعان کردند که ارائه مطالب به زبان ساده و قابل فهم برای عموم دشوار است؛ در حالی که این موضوع برای گروه علوم اجتماعی به مراتب کمتر و تنها ۲۶ درصد نشان داده شد و آزمون آماری مان-ویتنی برای تفاوت بین این دو گروه کمتر از ۰/۰۵ و معنی دار گزارش شد. این مسأله در بسیاری از پژوهش‌های گذشته نیز مورد بحث بوده است (Weigold, 2001; Tanner, Friedman & Zheng, 2015). بسیاری از متخصصان معتقدند نوشتن مطالب علمی قابل فهم برای عموم، بسیار سخت‌تر از نوشتن برای متخصصان است (میرزایی و حیدرزاده، ۱۳۷۰). در واقع اهمیت این قضیه تا حدی زیاد است که بسیاری از دانشگاه‌ها تدریس علم برای عموم را برای برخی دانشجویان رشته‌های علوم پزشکی برگزار می‌کنند (Moni RW, Hryciw DH, Poronnik & Moni, 2007; Dunwoody, 1980). بنابراین، دشواری تبیین مطالب به زبان ساده و قابل فهم برای گروه علوم پزشکی یکی از مهم‌ترین موانعی است که بر سر راه انتشار مطالب علوم پزشکی وجود دارد. پیشنهاد متخصصان این است که افراد جامعه علمی باید جهت برقراری ارتباط موثر با عموم، شیوه نویسنده‌گی برای عموم را یاد بگیرند (Weigold, 2001). نوشتن برای عموم، مهارتی است که از ترکیب تخصص در علم، آگاهی از آموزش و روش‌های آموزشی، آگاهی از روانشناسی خواننده و اشراف بر ویژگی‌های اجتماعی و اطلاع از فنون روزنامه‌نگاری به ویژه روزنامه‌نگاری اجتماعی و روزنامه‌نگاری علمی حاصل می‌شود (میرزایی و حیدرزاده، ۱۳۷۰).

عامل ترس از سرقت علمی و کمبود زمان برای هر دو گروه به اندازه بسیار کم اثرگذار بوده است. مسأله سرقت علمی به واسطه انتشار مطالب در یک وبلاگ، تنها یک تفکر درونی شده بین دو گروه مورد آزمایش این پژوهش است؛ زیرا تا به حال مطالعه‌ای که این موضوع را ثابت کند، انجام نشده است. بنابراین، اگر مطلبی در یک وبلاگ منتشر شود و قالب یک مقاله نقد و داوری شده مجلات را نداشته باشد، راحت‌تر در معرض سرقت علمی قرار خواهد گرفت، که یک مانع برای انتشار آزاد اطلاعات به حساب می‌آید. در صورتی که چنین رفتاری کنترل نشود، همچنان مسأله ترس از سرقت علمی وجود خواهد داشت، و این مورد به عنوان یک مانع بر سر راه ایجاد انگیزه برای شکل‌گیری رفتار اشتراک دانش عمل خواهد کرد. به نظر می‌رسد هر دو مانع سرقت علمی و کمبود زمان مختص بافت ایران و جامعه مورد بررسی این پژوهش باشد؛ زیرا در مطالعات گذشته در سایر کشورها، بحث سرقت علمی و یا کمبود زمان به عنوان مانعی برای اشتراک دانش گزارش نشده است. با انجام پژوهش‌های بیشتر در این زمینه و انجام مطالعات عمیق و کیفی می‌توان ریشه آن را کشف و موانع را مورد بررسی قرار داد.

عوامل تکنولوژیکی یا به عبارتی دشواری‌های استفاده از وبلاگ یا وبسایت‌های عمومی هم

برای هر دو گروه، به عنوان مانعی بر سر راه ارائه آزادانه اطلاعات علمی قرار داشته است. مسأله قابل توجه این است که همچون موردی که پیش‌تر ذکر شد، عوامل تکنولوژیکی نیز در سایر مطالعات به هیچ عنوان جزو موانع گزارش نشده است (Akosile & Olatokun, 2020)، احتمالاً اگر استفاده از وبسایت‌ها و یا وبلاگ‌ها تسهیل شود، افراد بیشتری به سمت انتشار مطالب خود روی خواهند آورد. از نظر انگیزه‌ها، برای گروه علوم پزشکی احساس انجام وظیفه، نیاز درونی و بهبود دانش عمومی، و برای گروه علوم اجتماعی رشد ایده‌های علمی، بهبود نیاز اطلاعاتی جامعه به عنوان انگیزه‌های بعدی برای انتشار مطالب بیان شد. چنین انگیزه‌هایی در پژوهش‌های گذشته نیز دیده شده است (Besley & Hill, 2020). به این ترتیب پیشنهاد می‌شود که در مورد مزایای مشارکت در اشتراک دانش، آموزش داده شود تا افراد بیشتری از جنبه‌های مثبت آن مطلع گردند. افزایش اعتبار حرفه‌ای در ازای اشتراک دانش برای گروه علوم اجتماعی بیشتر از گروه علوم پزشکی حائز اهمیت بوده است. در مطالعات گذشته نیز مشخص شده که دغدغه کسب اعتبار علمی برای گروه علوم اجتماعی نسبت به گروه علوم پزشکی بیشتر وجود دارد (Hearn & Anderson, 2002). به طور کلی پژوهش‌ها نشان می‌دهند که افراد در صورتی تمایل به اشتراک دانش دارند که این عمل باعث بهبود وضعیت و اعتبار حرفه‌ای آنان شود (Thi Chung & Thi Tram Anh, 2022; Poliakoff & Webb, 2007). این مورد می‌تواند از طرف مدیران سازمان‌ها مورد توجه قرار گیرد، به این شکل که به اعضای خود در ازای انتشار عمومی مطالب علمی امتیازی تخصیص دهد. نتایج پژوهشی که در پاکستان انجام شد، نشان داد که مشوق‌های مختلف چه درونی باشند و چه بیرونی، مثل ترفیع رتبه، بسیار موثر و مهم هستند. به‌علاوه، افرادی که از شغل خود رضایت دارند نیز بیشتر تمایل به اشتراک دانش خواهند داشت (Bibi & Ali, 2017). از این‌رو تخصیص جوایز و پاداش در ازای مشارکت در این فعالیت‌ها می‌تواند یک عمل مثبت در راستای بهبود انگیزه افراد برای مشارکت افراد باشد (Dunwoody, Brossard & Dudo, 2009).

<https://apssgom.ac.ir/>

ارائه مطالب به شکل عمومی و به شیوه‌ای قابل فهم برای عموم مردم رسالتی مهم و حیاتی برای هر جامعه‌ای است که باید به آن توجه شود. کشف عوامل موثر و موانع موجود بر سر راه رفتارهای اشتراک دانش در بین اعضای هیأت علمی یک دانشگاه که به عنوان تولیدکنندگان علم کشور به حساب می‌آیند، می‌تواند یک قدم موثر برای پیشرفت در مسیر تسهیل اشتراک دانش برای عموم مردم باشد. این پژوهش نشان داد که در بین هر دو گروه علوم اجتماعی و علوم پزشکی انگیزه‌های زیاد و نگرش مثبت نسبت به اشتراک دانش وجود دارد، با این حال موانعی مثل عوامل تکنولوژیکی، ترس از سرقت علمی (برای گروه علوم اجتماعی)، کمبود زمان (گروه علوم پزشکی) و نداشتن توانایی‌های

ساده‌نویسی (گروه علوم پزشکی) مانع از ایجاد رفتار اشتراک دانش می‌گردد؛ با معطوف داشتن توجه به سمت این عوامل و موانع می‌توان رفتارهای اشتراک دانش را بهبود بخشید.

۷. پیشنهادها

۷-۱. پیشنهادات پژوهشی

♦ تعداد مشارکت‌کنندگان این پژوهش بسیار کم بود و این مورد سبب استفاده از آزمون ناپارامتریک شد. اگر پژوهشی انجام شود که جامعه گسترده‌تر و تعداد مشارکت‌کنندگان بیشتری داشته باشد، احتمالاً نتایج بهتر و موثقی‌تری بدست خواهد آمد.

♦ این پژوهش با استفاده از داده‌های عددی و کمی انجام شد، پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های کیفی نیز صورت گیرد تا انگیزه‌ها و موانع عمیقاً مورد بررسی قرار گیرند، تا راهکارهای کیفی‌تری برای اشتراک دانش اعضای هیأت علمی ارائه شود.

۷-۲. پیشنهادات کاربردی

♦ برگزاری کلاس‌های آموزش ساده‌نویسی مطالب علمی برای دانشجویان گروه علوم پزشکی.

♦ توجه بیشتر مدیران آموزشی و استخدامی هیأت علمی بر رفتارهای اشتراک دانش اعضای جامعه علمی در وبسایت‌ها و وبلاگ‌های عمومی و تشویق و ترغیب اعضا از طریق ترفیع رتبه و افزایش اعتبار علمی به آنان.

♦ تسهیل فرایند انتشار مقاله و مطالب علمی اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها در وبسایت‌های عمومی از طرف مدیران وبسایت‌ها.

منابع

- ابراهیمی، سعیده؛ زارع، هانیه؛ سلیمی، قاسم؛ انبارکی، سحر (۱۳۹۷). الگوها و رفتارهای اشتراک دانش پژوهشگران در شبکه‌های اجتماعی علمی: مورد کاوری سیستم پرسش و پاسخ در شبکه علمی ریسرچ گیت. *تعامل انسان و اطلاعات*، (۱)، ص ۵۶-۷۰.
- میرزایی، علیم؛ حیدرزاده، توفیق (۱۳۷۰). *مطبوعات ایران: مجله‌های علمی عمومی وسیله‌ای برای ترویج علم. رسانه*، (۷)، ص ۳۹-۳۶.
- Akosile, A. & Olatokun, W. (2020). Factors influencing knowledge sharing among academics in Bowen University, Nigeria. *Journal of Librarianship and Information Science*, 52(2), p. 410-27.
- Besley, J.C. & Hill, D. (2020). Science and Technology: Public Attitudes, Knowledge, and Interest. *Science and Engineering Indicators*, URL= <https://nces.nsf.gov/pubs/nsb20207>
- Bibi, S. & Ali, A. (2017). Knowledge sharing behavior of academics in higher education. *Journal of Applied Research in Higher Education*, 9(4), p. 550-64.
- Bock, G.W., Zmud, R.W., Kim, Y.G. & Lee, J.N. (2005). Behavioral intention formation in knowledge sharing: Examining the roles of extrinsic motivators, social-psychological forces, and organizational climate. *MIS quarterly*, No.1, p. 87-111.
- Boer, N.I., Berends, H. & Van Baalen, P. (2011). Relational models for knowledge sharing behavior. *European management journal*, 29(2), p. 85-97.
- Bousari, R.G. & Hassanzadeh, M. (2012). Factors that affect scientists' behavior to share scientific knowledge. *Collnet Journal of Scientometrics and Information Management*, 6(2), p. 215-27.
- Burchell, K. (2015). *Factors affecting public engagement by researchers: Literature review*. Policy Studies Institute, London.
- Cacciatore, M.A., Scheufele, D.A. & Corley, EA. (2014). Another (methodological) look at knowledge gaps and the Internet's potential for closing them. *Public Understanding of Science*, 23(4), p. 376-94.
- Cropanzano, R. & Mitchell, M.S. (2005). Social exchange theory: An interdisciplinary review. *Journal of management*, 31(6), p. 874-900.
- Darke, P., Shanks, G. & Broadbent, M. (1998). Successfully completing case study research: combining our, relevance and pragmatism. *Information systems journal*, 8(4), p. 273-89.
- Dunwoody, S. (1980). The science writing inner club: A communication link between science and the lay public. *Science, Technology & Human Values*, 5(30), p. 14-22.
- Dunwoody, S., Brossard, D. & Dudo, A. (2009). Socialization or rewards? Predicting US scientist-media interactions. *Journalism & Mass Communication Quarterly*, 86(2), p. 299-314.
- Eurobarometer, S. (2011). *Public awareness and acceptance of CO2 capture and storage*. European Commission.
- Gustafsson, J. (2017). *Single case studies vs. multiple case studies: A comparative study*. URL= <https://www.semanticscholar.org/paper/Single-case-studies-vs.-multiple-case-studies%3A-A-Gustafsson/ae1f06652379a8cd56654096815dae801a59cba3>
- Hearn, J. & Anderson, M. (2002). Conflict in academic departments: An analysis of disputes over

- faculty promotion and tenure. *Research in Higher Education*, 43(5), p. 503-529.
- Henerson, M.E., Morris, L.L. & Fitz-Gibbon, C.T. (1987). *How to measure attitudes*. Sage.
- Lenoir, T. (1997). *Instituting science: The cultural production of scientific disciplines*. Stanford University Press.
- Moni, R.W., Hryciw, D.H., Poronnik, P. & Moni, K.B. (2007). Using explicit teaching to improve how bioscience students write to the lay public. *Advances in Physiology Education*, 31(2), p. 167-75.
- O'Neill, S. & Boykoff, M. (2012). The role of new media in engaging the public with climate change. *Engaging the public with climate change*, No. 25, p. 233-51.
- Papacharissi, Z. (2002). The virtual sphere: The internet as a public sphere. *New media & society*, 4(1), p. 9-27.
- Pinto, B., Marçal, D. & Vaz, S.G. (2015). Communicating through humour: A project of stand-up comedy about science. *Public Understanding of Science*, 24(7), p. 776-93.
- Poliakoff, E. & Webb, T.L. (2007). What factors predict scientists' intentions to participate in public engagement of science activities? *Science communication*, 29(2), p. 242-63.
- Stilgoe, J., Lock, S.J. & Wilsdon, J. (2014). Why should we promote public engagement with science? *Public understanding of science*, 23(1), p. 4-15.
- Sugimoto, C.R. & Weingart, S. (2015). The kaleidoscope of disciplinarity. *Journal of Documentation*, 71(4), p. 775-94.
- Tanner, A.H., Friedman, D.B. & Zheng, Y. (2015). Influences on the construction of health news: The reporting practices of local television news health journalists. *Journal of Broadcasting & Electronic Media*, 59(2), p. 359-76.
- Thi Chung, D. & Thi Tram Anh, P. (2022). Factors affecting knowledge sharing behaviour in public higher education institutions: An empirical study of Vietnam. *Cogent Business & Management*, 9(1).
- Triandis, H.C. (1972). *The analysis of subjective culture*. New York: Wiley Interscience.
- Weigold, M.F. (2001). Communicating science: A review of the literature. *Science communication*, 23(2), p. 164-93.
- Yu, T.K., Lu, L.C. & Liu, T.F. (2010). Exploring factors that influence knowledge sharing behavior via weblogs. *Computers in human behavior*, 26(1), p. 32-41.